

دیوان

اشعار دکتر علی محمد موفق

سراینده

دکتر علی محمد موفق

www.ketab.ir

تقدیم به روح پدر و مادرم

و

تقدیم به همسر و فرزندانم

www.ketab.ir

سرشناسه	: موفق، علی محمد، ۱۳۱۲-
عنوان و نام پدیدآور	: دیوان اشعار دکتر موفق یزدی / سراینده دکتر علی محمد موفق
مشخصات نشر	: یزد: علم نوین، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	: ۱۹۲ ص. : مصور
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۴۶۶-۰۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ د ۹ ۶۱ و / PIR ۸۲۲۳
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۰/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۰۰۰۳۱



دیوان اشعار دکتر علی محمد موفق

سروده: دکتر علی محمد موفق

ویراستار ادبی: دکتر سید محمود الهام بخش

ناشر: انتشارات علم نوین

تأییست: زهرا ملاحسینی

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۴۶-۶۰-۴

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

انتشارات علم نوین یزد، میدان آزادی (باغ ملی)، ابتدای بلوار طالقانی، جنب مجتمع ستاره

تلفکس: ۰۳۵۱۶۲۶۱۶۰۰ - همراه: ۰۹۱۳۳۵۶۷۳۰ - صندوق پستی: ۱۵۳۳-۱۹۱۶۵

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۲۱	مقدمه ویراستار
۲۷	مقدمه مؤلف
۲۹	اشعار و غزلیات
۳۰	شعر و هنر
۳۱	عشق و عقل و دل
۳۲	دفتر عشق
۳۴	بهار عشق و عرفان
۳۵	وعدۀ وصل
۳۶	بی‌وفایی دنیا
۳۷	منزل عشق
۳۸	عشق و بی‌وفایی
۳۹	بادۀ الست
۴۰	روز وداع
۴۱	صفای باطن
۴۲	غم و درد عشاق
۴۳	زندگی جاوید
۴۴	عشق و عرفان
۴۵	غم عشق
۴۶	درس حقیقت و آزادی
۴۹	دورۀ پیری و بعداز مرگ (خواب زمستان)
۵۱	پیمانۀ عشق
۵۲	روز مادر
۵۳	راز آفرینش
۵۴	قسم نامه

۵۵	سخن عشق
۵۶	عشق جهان
۵۷	عرفان و قرآن
۵۸	عشق و عرفان
۵۹	بهار عشق
۶۰	روز وداع
۶۲	شب هجران
۶۳	فصل بهار
۶۴	چرا و چون
۶۵	عشق و عرفان
۶۷	توحید
۶۹	وصف بهار و عشق
۷۱	غم بیهوده
۷۲	عمر جاوید
۷۳	زمان پیری
۷۵	راز پنهان
۷۶	عشق و بی‌وفایی
۷۷	عوارض سوء تغذیه و موادمخدر
۷۸	نور خدا
۷۹	بی‌وفایی دنیا و عشق به آخرت
۸۰	مادر شهید
۸۲	جبر و اختیار
۸۳	داستان گرگ و میش
۸۵	معرفی شاعر
۸۶	غم جدایی
۸۷	پیامی به پزشکان
۸۸	کار و زندگی
۸۹	عشق وطن
۹۱	خاطرات دوران خدمت در اداره بهداشت شهرستان یزد
۹۵	چرخه زندگی

۹۷	زندگی جاوید
۹۹	خلقت جهان از دیدگاه قرآن و علوم جدید
۱۰۰	مرغ سحر
۱۰۱	حجاب
۱۰۴	داستان فیل و پشه
۱۰۷	اشعار مذهبی و تاریخی
۱۰۸	دین خدا
۱۰۹	توبه شب قدر
۱۱۱	خلقت انسان از نفس واحد
۱۱۵	تقوی
۱۱۷	مشروب
۱۱۹	مختصری از تاریخ اسلام
۱۲۲	به مناسبت ماه مبارک رمضان
۱۲۳	مرگ و هستی
۱۲۶	خر دجال
۱۲۸	مناسک حج
۱۳۰	وصف آمریکا
۱۳۲	به مناسبت نیمه شعبان
۱۳۴	عبادت
۱۳۶	درد دل با خدا
۱۳۸	جنگ مذاهب
۱۴۲	تاریخ و مسلک بهایی
۱۴۹	جنگ عراق و آمریکا به وسیله بوش در سال ۱۹۹۱
۱۵۰	زندگی در آمریکا
۱۵۱	جنگ نفت و خون
۱۵۲	جنگ غزه بین حماس و اسرائیل
۱۵۵	عاقبت جنگ در غزه
۱۵۷	وقایع عراق و لبنان و فلسطین
۱۶۰	شروع انقلاب ایران در سال ۷۷-۱۹۷۶
۱۶۳	وقایع انقلاب ایران و بعد از آن

۱۶۶.....	سرنوشت.....
۱۶۸.....	خلقت انسان از دیدگاه علم و قرآن.....
۱۷۰.....	رباعیات و دوبیتی‌ها.....
۱۷۹.....	تصاویر.....

www.ketab.ir

به نام ولی التوفیق

میرزا علی محمد موفق در هفتم آذرماه سال ۱۳۱۲ ش. در یزد دیده به جهان گشود. پدرش میرزا عباس موفق، در اداره پست و تلگراف شهرستان یزد مشغول به کار بود. جد مادری علی محمد، سیدیحیی مدیرطاهری ملقب به «صدرالقرآء» بود.

مادرش بانویی خانه‌دار بود و از طب قدیم آگاهی چشمگیری داشت. وی همواره آرزو می‌کرد که علی محمد نیز مسیر طب و طبابت را برگزیند. به همین دلیل، پسر در پرتو تشویق‌های مادر، با علاقه وافر این راه را انتخاب کرد و سال‌ها در جهت رسیدن به اهداف آرمانی خود به تلاش و کوشش پرداخت.

وی از کودکی، به مکتب‌خانه رفت و به فراگیری قرآن مشغول گردید و حتی به عنوان کمک به مکتب‌دار، به کودکان دیگر قرآن یاد می‌داد. در ۶ سالگی، راهی مدرسه شد و دوره ابتدایی را پس از پنج سال در دبستان طاهری به مدیریت پدر بزرگش - سیدیحیی مدیر طاهری - به پایان رسانید.

وی در این سالها، علاوه بر آموختن قرآن و عربی، به دلیل علاقه فراوان به ادبیات، به فراگیری آثار ادبی نیز پرداخت و با آثاری همچون دیوان حافظ، کلیات سعدی، کلیله و دمنه و دیگر کتب ادبی منظوم و منثور انس گرفت.

دکتر موفق در ایجاد علاقه و اشتیاق به ادبیات و تمایل به سرودن شعر، پدر خود را مشوق و راهنمای اصلی خویش می‌داند - پدری که با تشویق‌هایش استعداد او را در این زمینه به شکوفایی رسانید و سبب گردید علی محمد سرودن شعر را از دوران ابتدایی آغاز کند.

دوره نوجوانی موفق همزمان با ملی شدن صنعت نفت بود. وی اشعاری را درباره دکتر مصدق سرود و آن را در روزنامه به چاپ رسانید:

ای مصدق که تویی منجی ایران ز وبال	داده‌ای سر به سر خاک وطن استقلال
گشته خم پشت عدو، دولت غارتگر نفت	تا شده نفت وطن ملی و ملت خوشحال
از وجود قدمت گشته گلستان کشور	بلبل خوش قدمی چون که تویی خوش اقبال
ما همه قرضه ملی زدل و جان بخریم	تا که ایران نهد پا به ره اضمحلال

وی دوره دبیرستان را در مدرسه ایرانشهر گذراند و در ۱۷ سالگی، در آزمون ورودی دانشگاه شرکت کرد و در دانشکده پزشکی اصفهان پذیرفته شد و مایل بود در شیراز، ادامه تحصیل دهد، ولی به نفع یکی از هم دوره‌های خودش که در شیراز بعد از او می‌توانست قبول شود و چاره‌ای نداشت، از تحصیل شیراز صرف‌نظر کرد و در دانشکده پزشکی اصفهان به مدت ۶ سال مشغول به تحصیل گردید.

در طی این مدت، وی مسئولیت انجمن اسلامی دانشجویان را که خود یکی از بنیانگذاران آن بود به عهده گرفت و از محضر کسانی چون مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی و استاد علامه مرتضی مطهری بهره‌مند گردید. حتی پس از وقایع ۲۸ مرداد و سقوط دولت دکتر مصدق که فعالیت هرگونه انجمن و تشکیلات از سوی ساواک مورد انتقاد و حمله قرار می‌گرفت، این انجمن به فعالیت خود ادامه داد و تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ش. توسط دانشجویان متعهد اداره می‌شد.

این انجمن علاوه بر شرکت هفتگی بزرگان نامبرده که از تهران تشریف می‌آوردند، از وجود بعضی از استادان دانشکده پزشکی اصفهان که مسلمان و متعهد بودند مثل دکتر ابوتراب نفیسی، دکتر بلیغ، دکتر ریاحی، دکتر ابن‌شهبیدی و بعضی از روحانیون و علمای اصفهان نظیر آیات عظام کرمانی و اشنی کسب فیض می‌نمود. ضمناً کلیه مراسم مذهبی توسط این انجمن مرتب برگزار می‌شد و دانشجویان اسلامی نیز سخنرانی می‌کردند بخصوص مرحوم دکتر محمد مجتهدزاده که شاعر هم بود و دکتر موفق، دکتر مصطفی طباطبایی و مقدادی.

از جمله رویدادهای این دوره آن بود که جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان توسط همین انجمن برگزار گردید و دکتر موفق اشعاری سروده بود که آن را از طرف انجمن اسلامی قرائت نمود که آن اشعار در این دیوان ذکر شده است. موفق بهترین خاطرات زندگی خود را در دوران تحصیل پزشکی، ایجاد آن انجمن و فعالیت در آن می‌داند.

موفق پس از فراغت از دانشکده پزشکی دانشگاه اصفهان، به مدت ۱۸ ماه در استان کردستان در شهرستان بانه و نیز در آذربایجان غربی به عنوان «پزشک وظیفه» در ارتش سپری نمود. در این مدت، علاوه بر معالجه سربازان، بیمارستانی نیز در شهرستان بانه جهت سربازان ایجاد نمود که تا آن زمان وجود نداشت و فقط به طور سربایی سربازان مداوا می‌شدند که کافی نبود و حتی منجر به فوت بعضی از آنان که احتیاج به

بستری شدن داشتند می‌شد. وجود این بیمارستان کوچک موجب کمک بزرگی به سلامتی و جلوگیری از مرگ سربازان گردید. سپس دکتر موفق از بانه به بهداری هنگ ژاندارمری ارومیه که آن موقع رضائیه نام داشت منتقل شد و در سمت مسئول بهداری هنگ ژاندارمری، به مدت عَماه خدمت کرد و دورهٔ خدمت و وظیفه خود را به پایان رسانید.

سپس به مدت هفت سال در یزد به عنوان «رئیس خدمات بهداشتی شهرستان یزد» - که در آن زمان، اداره‌ای مستقل بود - مشغول خدمت گردید.

وی در این سال‌ها، خدمات بهداشتی بسیاری به این شهر نمود و با انگیزهٔ اسلامی خود، «النظافة من الایمان» شروع به کار کرد و با عشق فراوان و فعالیت شبانه روزی با تغییر مغازه های قصابی و نانوائی و اغذیه‌فروشی و رستورانها و قهوه‌خانه‌ها طبق اصول بهداشتی و همچنین تبدیل حمام‌های خزینه‌ای به دوش و توزیع مواد غذایی و مصرفی و آشامیدنی و نظارت بر کارخانجات مواد غذایی و جلوگیری از سر و صدای ناهنجار کارخانجات داخل شهری، سیمای شهرستان یزد را از نظر زیبایی و بهداشت دگرگون کرد. ایجاد قبرستان ویژهٔ زرتشتیان در یزد که به همت وی، برای شیوهٔ نوین دفن اموات آنان در این شهرستان اختصاص داده شد از دیگر اقدامات دکتر موفق بود که مورد تشویق اهالی یزد و ادارات و وزارت‌خانه‌های کشور و بهداری قرار گرفت. علاوه براین، اقدامات دکتر موفق باعث شد که کارخانه‌های موزائیک‌سازی و کاشی‌سازی در شهرستان یزد ساخته شود که تا آن زمان در آن شهر وجود نداشت.

انقلاب بهداشتی تأثیر زیادی در زندگی شغلی و شخصی مردم یزد به وجود آورد و باعث پیشرفت امور بهداشتی در یزد شد. موفق در اشعار خود، این موارد را ذکر کرده است. بخصوص تعطیل خزینه‌های گرم حمام‌ها که ناقل امراض و بیماری‌های عفونی بودند از جمله تراخم (ورم ملتحمهٔ چشم) که اکثر مردم و دانش‌آموزان این شهرستان مبتلا بودند که سرایت آن از طریق حمام‌های خزینه‌ای باعث کوری می‌شد و همچنین بیماری‌های عفونی دیگر و امراض پوستی و عارضهٔ کچلی ریشه‌کن شد.

موفق در مدت هفت سال اقامت در یزد، به درمان بیماران بخصوص اطفال نیز مشغول بود. سپس، برای ادامه تحصیل در رشتهٔ اطفال، به تهران عزیمت نمود و پس از سه سال تحصیل در دانشگاه تهران، به اخذ گواهینامهٔ تخصصی نائل آمد. دکتر موفق در

این سال‌ها علاوه بر تحصیل علوم پزشکی، به فراگیری زبان‌های انگلیسی و فرانسه روی آورد و توان و استعداد خود نیز در این مسیر را آزمود.

با اتمام تحصیل در دانشگاه تهران، در آزمون ورودی دانشگاه‌های آمریکا شرکت جست و پس از قبولی، مجدداً در رشته بیماری‌های کودکان و فوق تخصصی نوزادان مشغول به تحصیل شد. در این مدت، ریاست رزیدنت‌های اطفال در آمریکا به عهده ایشان گذاشته شد و پس از اخذ مدرک از آن دانشگاه، به ایران بازگشت.

او که حب وطن و عشق به ایران در تک‌تک رگ‌هایش می‌جوشید خدمت به ایران و ایرانی را بر ماندن در یک کشور بیگانه ترجیح داد و با بازگشت به ایران، خدمت به مردم سرزمین مادری خود را وجهه همت خویش ساخت.

پس از بازگشت به وطن، مدتی در تهران به عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، به تدریس بیماری‌های کودکان مشغول شد. وی همزمان سرپرستی بخش اطفال بیمارستان طالقانی - وابسته به دانشگاه شهید بهشتی - را برعهده داشت.

در آن زمان، کشور هنوز درگیر جنگ تحمیلی هشت ساله ایران و عراق بود. بیمارستان‌ها از تجهیزات چندانی برخوردار نبودند. به خصوص بیمارستان طالقانی که دکتر موفق سرپرستی بخش اطفال آن را به عهده داشت فاقد «بخش نوزادان» بود. به همین جهت، وی با بودجه شخصی و نیز با کمک برخی از تجار - که از میان بیماران او بودند - بخش نوزادان را در این بیمارستان تأسیس کرد و آن را براساس نقشه‌ای که از آمریکا با خود آورده بود ساخت و برای تجهیز آن تلاش‌های بسیاری انجام داد. سرانجام، این بخش همراه با بخش زایمان بیمارستان طالقانی، افتتاح گردید که این دو بخش مکمل یکدیگر بودند.

مراجعت دکتر موفق از آمریکا مصادف با شروع انقلاب در ایران بود و چون با رفقای خود در آمریکا که همه از اعضای جبهه ملی بودند بر علیه حکومت وقت مبارزه می‌کرد پس از بازگشت به ایران با حضور و ارتباط با بیت آیت‌الله طالقانی و تماس با آقای مهندس بازرگان و آیت‌الله مطهری و سایر رفقای خود، از طرف آیت‌الله طالقانی به عنوان سرپرست گروه پزشکان مبارز انتخاب شد و با ایراد سخنرانی در بیمارستان‌ها و آماده کردن افراد برای شرکت در راه‌پیمایی‌ها و اعتصاب پزشکان با در نظر گرفتن حقوق بیماران، در پیشبرد فعالیت‌های انقلابی، شرکت فعال داشت و از افراد مورد اعتماد

آیت‌الله طالقانی بود، چون سابقهٔ آشنایی دکتر موفق با ایشان به زمان تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان در اصفهان به مسئولیت دکتر موفق برمی‌گشت و ایشان کاملاً از روحیات و فعالیت‌های دکتر موفق واقف بودند.

دکتر موفق در زمان انقلاب و جنگ تحمیلی هشت ساله، ابتدا به عنوان پزشک جهاد سازندگی در سیستان و بلوچستان به مدت یک ماه عاشقانه به مردم فقیر و بیچاره با معالجه تعداد بیشمار بیمار در روز خدمت نمود و کسانی را که احتیاج به بستری و جراحی داشتند به بیمارستان فیروزگر منتقل می‌نمود. به علاوه، در تمام مدت جنگ تحمیلی در خوزستان و شهرهای آن مشغول انجام وظیفه بود.

دکتر موفق قسمتی از بخش اطفال را به زخمی‌های بسیجی و پاسداران و مبارزان جنگ تحمیلی اختصاص داده بود و در حد امکان به آنها کمک می‌کرد.

دکتر موفق با یکی از دبیران دبیرستان‌های تهران - سرکار خانم افضل فاتحی - ازدواج نمود. همسر وی نیز در شعر و ادبیات دستی توانا داشت و از او کتاب شعری نیز به چاپ رسیده است.

دکتر موفق از این ازدواج، صاحب دو فرزند دختر شد که همزمان با اشتغال به تحصیل آن دو در دانشگاه‌های آمریکا، به آن کشور عزیمت کرد. فرزندان وی هر دو راه پدر را برگزیدند و در زمینهٔ علم پزشکی به تحصیل مشغول گردیدند که یکی متخصص بیماری‌های داخلی به نام شراره موفق و دیگری دکتر داروساز و استاد دانشگاه ویرجینیای آمریکا (دانشکده داروسازی) گردید به نام شهرزاد موفق. آنان در همانجا با پزشکان ایرانی مقیم آن دیار ازدواج کردند و تشکیل خانواده داده به امر پزشکی مشغول شدند.

دکتر موفق جهت کمک به تحصیل فرزندان مجبور شد مدتی را در آمریکا سپری کند ولی همیشه دلش برای وطن می‌تپید و همان طور که گفته شد، ازدوران کودکی، به ادبیات و شعر و شاعری علاقهٔ بسیار داشت و علاوه بر تلاش و کوشش در زمینهٔ علوم پزشکی، به مطالعهٔ ادبیات نیز می‌پرداخت. وی زمانی که در آمریکا ساکن بود اشعار زیادی سرود و در شب شعری که هر ماه در محلی تشکیل می‌شد اشعار خود را قرائت می‌کرد و همچنین بعضی از اشعار او در روزنامه اطلاعات، چاپ خارج کشور، به طبع می‌رسید.

دختر کوچک دکتر موفق نیز به نام شهرزاد موفق از دوران کودکی (۸ سالگی) شروع به سرودن اشعار بسیار زیبا و عارفانه نموده است که اشعار این دختر جوان که همراه پدر در شب شعر شرکت می‌کرد مورد توجه حاضرین قرار می‌گرفت و با تشویق زیادی همراه بود. اشعار شهرزاد نیز انشاءالله در آینده به چاپ خواهد رسید.

در اینجا شعری را که در ستایش پدر سروده نقل می‌کنم:

«در ستایش پدر»

ای پدر ای مظهر عشق و وفا
ای که پدر ای آیت لطف و صفا
ای که افکندی به فرزندان ز مهر
سایه ایشار و خود بی‌انتهای
ای که چون کوهی کنارم روز و شب
ایستادی تا که برخیزم به پا
ای گشتی در بلاها رهنمون
تا که گردانی ز صد بندهم رها
ای که گفتی دَر علم و حلم و دین
تا شناسایی کنوز ارتقا
ای که بستی پشت همت آنچنان
تا چنین تمکین دهی اقوام ما
ای که عمری در ره علم و هنر
بوده‌ای جویندگان را رهنما
وز بشارت‌های آن چشم مهان
خوانده‌ای در لوح هستی نکته‌ها
ای که با اخلاص و مهربانی دریغ
داده‌ای پیوسته مرضا را شفا

آن چنان که سالیانی تاکنون
 همچنان با وجد گویندت دعا
 ای که از مه‌رت روانم شاد شد
 هم به طفلی هم به دوران نما
 می‌ستایم روح پرسودات را
 وز وجودم شکر گویم شکرها
 شمس رویت همچنان تابنده باد
 بر فراز آسمان کبریا
 «شهرزاد» از جان و دل گوید دعا
 تا مصون گردی ز هرگونه بلا

اشعار دیگری از شهرزاد:

«حال درون»

دوش هنگام دعا زمزمه یار آمد
 و ندر آن خلوت دل مژده دیدار آمد
 دل که در حسرت او جرعه مستی می‌زد
 نور حق دید به یک جرعه و هشیار آمد
 دیده در خواب همی چهره مشوق بدید
 نقش رویش شرری بر دل بیدار آمد
 یوسف از عطر تنش بردل یعقوب شفاست
 عطر قدسی نفسی برمن بیمار آمد
 تا نظر بر خم ابرو و رخ یار افتاد
 دل به تسخیر همان نرگس بیمار آمد
 آمد از غیب ندایی ز سرم هوش ببرد
 بانگ آن آیت قدسی که ز اسرار آمد

داد یک جرعه از آن باده به دستم که بنوش
 کاین می از کوثر و از جام گهربار آمد
 گفتم این ساغر می بهر چه دادی به منش
 کی گدا بر سر آن سفره دربار آمد
 گفت برخیز که ما حال درون می‌گیریم
 ورنه هر زاهد و درویش نکوکار آمد
 گفتمش باز که من لایق این طعنه نیم
 تا که شهرزاد بدین آیه حق واقف شد
 قصه عاشقی‌اش بر سر بازار آمد

دکتر شهرزاد موفق - درس ۱۳ سالگی در آمریکا

گل چه زیبا آمد و پژمرده رفت
 بلبلی شاد آمد و پرغصه رفت
 قلب‌ها از غصه‌ها لبریز شد
 اشک‌ها چون برگ در پاییز شد
 سیل غم این شادمانی را ز جا
 کند و با خود برد از دلهای ما
 تا جهان دیدم که زشت و تیره گشت
 عصه‌ها بر مهرها هم چیره گشت
 آن زمان با سختیش پایان رسید
 مژده از قول سبکبالان رسید
 بار دیگر غنچه‌ها به شکفته‌اند
 در میان لاله‌زارها خفته‌اند

بلبلان بر شاخه‌ها بنشسته‌اند
 باله‌های غصه را بشکسته‌اند
 دست‌ها بر آسمان بگشوده‌اند
 نغمه‌های بی‌کران بسروده‌اند
 شکر ایزد بار دیگر غصه رفت
 اشک‌های این و آن از دیده رفت
 غصه‌ها از قلب‌ها یکسان برفت
 بند دام بر دلی از هم گسست
 این جدایی هم رود از بین ما
 می‌زنم فریاد رحمی ای خدا

دکتر شهرزاد موفقی - هر سن ۱۲ سالگی به علت دوری از فامیل خود در خارج کشور

به نام خدا

ای خدا ای مهربان پروردگار
 ای خدا ای بهتسیرین صوت نگار
 ای که هستی از وجود شد عیان
 جمله مخلوقات را یاری رسان
 ای که از خاکی نهادیمان سرشت
 بهر یک گندم ستانیدمان بهشت
 ای که نامت بر زبانها خوشترین
 ای که انسان را نهادی برترین
 امر کردی تا بخوانیمت بسی
 هر کجا بر روی هر خار و خسی
 ما بجا آریم فرمانت به چشم
 تا نگیری یک زمان بر بنده خشم

تا که دینا را تویی پروردگار
 سر نهم بر آستانت بی شمار
 از گناهانم همی شرمندهم
 تا ابد بر بارگاهت بندهام
 گر که کوتاهی کنم از بندگی
 تو بیخشا بر من از بخشندگی
 در دلم دارم هزاران آرزو
 ای خدا ای نیاز راستگو
 گر تو از کلام دلم داری خبر
 گر تو می دانی چه می خواهم سحر
 از تو می خواهم کنی بر من کرم
 تا نیاید ناامیدی بر درم
 تا بدانم راز این خلقت چه بود
 نور این اختر ز انوار که بود
 دریابم در دل دریا چه هست
 این زمین و آسمان را هر چه هست
 ز این روش یابم تو را در هر کجا
 در بیابم معنی لطیف خدا

شهرزاد موفق - درس ۱۲ سالگی

دوشم به مناجات دل از غصه رها کرد
 و آن نرگس مستش ز وفا جلوه به ما کرد
 آن تیر نگاهش که از آن پرده عیان شد
 بر مجمر این عشق بسی شعله به پا کرد

ناگفته بسی بود که از ما به نهان بود
لیکن سخن عشق از آن پرده نما کرد
دیوانه که صد شکوه از آن جور و جفا کرد
بیچاره دلش بود که او صید بلا کرد

شهرزاد موفق

من با تب عشق تو چنانم که مپرس
و این داغ تو سوزد دل و جانم که مپرس
گر با تو ببخشند مرا هر دو جهان
بیزار من از هر دو جهانم که مپرس
شهرزاد موفق

دکتر موفق - همانطور که ذکر شد - به سفارش مادر، علوم پزشکی را در اولویت مطالعات خود قرار داد و در کنار آن نیز اشعاری می‌سرود.
وی دوشادوش علم پزشکی، علم ادیان را نیز آموخت. وی با اشاره به حدیث نبوی، لزوم فراگیری علم ادیان را این گونه یادآور می‌شود:
«بنا به گفته بزرگان، العلم علمان: علم الابدان و علم الادیان را مدنظر قرار دادم و به منظور فراگرفتن آنها، سعی وافر مبذول داشتم.»

دکتر موفق همچنین بهترین اوقات و خاطرات دوران زندگی خود را در زمان تحصیل پزشکی، فعالیت در انجمن اسلامی دانشجویان و پس از تحصیلات دوره پزشکی، کار و فعالیت در شهرستان یزد و در مسیر خدمات بهداری ایجاد بخش نوزادان در بیمارستان طالقانی دانشگاه شهید بهشتی و ایجاد بیمارستان در شهرستان بانه جهت سربازان بیمار می‌داند.
دکتر موفق قریب ۲۰ سال در آمریکا به عنوان متخصص کودکان و عضو آکادمی اطفال در کالیفرنیا مشغول طبابت بوده و ۱۰ در چند نوبت از طرف مؤسسات علمی آمریکا در ردیف برجسته‌ترین متخصصان اطفال انتخاب شده است و در سال ۲۰۱۰ میلادی، نام او در ردیف یکی از بهترین پزشکان دنیا نیز به ثبت رسیده است. این انتخاب از

طرف جامعه بین‌المللی اطفال صورت گرفته و بر روی اینترنت و کتاب مخصوص «بهترین پزشکان دنیا»، نام دکتر موفق ذکر شده و در معرض دید عموم قرار گرفته است.

به هر حال، دکتر علی محمد موفق که علم ابدان و علم ادیان را توأمان آموخته بود، از طبع شاعری و قریحه خداداد نیز بهره داشت - قریحه‌ای که همواره در وجود اوغلیان می‌کرد و وی را به سرودن اشعاری زیبا و دلنشین متمایل می‌ساخت.

دکتر موفق می‌گوید اشعار من از آیات قرآن سرچشمه گرفته و تفسیری از کلام‌الله مجید است و با علم و حکمت و حقایق زندگی گره خورده است و معتقد است که شعر باید در عین زیبایی آموزنده باشد و از مطالب بیهوده که چون علف‌های هرزه در میان گلهای زیبا می‌رویند پرهیز شود که اصل مطلب تحت‌الشعاع مطالب جنبی قرار نگیرد.

www.ketab.ir

مقدمه ویراستار

چندی پیش با پایمردی مدیر محترم «انتشارات علم نوین یزد» با چهرهٔ پرفروغ و ماندگار جناب آقای دکتر موفق از نزدیک آشنا شدم. اشتها و روی‌شناسی ایشان بین یزدپژوهان و فرهیختگان این دیار پیشینه‌ای به گسترهٔ یک نیم قرن دارد و به دوران طلایی خدمات اجرایی و طبابت‌های مثال زدنی دکتر موفق بازمی‌گردد.

آنچه برای اینجانب تازگی داشت آشنایی وسیع ایشان با زبان و ادب فارسی و دست یافتن به مهارت سرایندگی، آن هم از نوع شعر متعهد و پیام‌آور انقلابی بود.

دکتر موفق که از ابتدای دوران جوانی ابیاتی سروده و آثاری گردآوری نموده پس از سال‌ها اقامت در جهان خارج از کشور و به امید بازگشت به میهن در دورهٔ تقاعد پیش روی، خواستار نشر آثار خود به منظور بهره‌مندی حاضران و معاصران و طالبان زبان و اندیشهٔ فاخر ایرانی گردیده است.

نظر به اینکه لازم به بود خوانندگان اشعار دکتر موفق از برجسته‌ترین و کامل‌ترین نمونه‌ها بهره ببرند - و دیوان اشعار ایشان دربرگیرنده برترین نمونه آثار در مبحث‌ها و موضوع‌های مختلف باشد و اولویت مضامین در انتخاب آنها ملاک عمل قرار گیرد - بنا به پیشنهاد اینجانب بعضی از اشعار و آثار بحث‌انگیز و شهرآشوب تاریخی ایشان با وجود حقانیت مضامین و پیام‌آور اشعار مقرر گردید از چاپ آنها در شرایط فعلی صرف نظر و در آینده در جلد دوم به چاپ رسد. خوشبختانه جناب دکتر موفق این پیشنهاد را پذیرفت و با بزرگواری و حسن ظن کم نظیر به این حقیر اعتماد کرد تا در بازخوانی و تنظیم و تدوین این دیوان بپردازم. بازخوانی دیوان تجربه‌ای بهترین و آموزنده بود.

متن اشعار اما در کنار جاذبه‌ها و ظرافت‌ها تنوع مضمون و فراز و نشیب و حتی افت و خیز ارزش هنری نیز داشت. بخصوص که زبان ساده و طبع روان و صداقت و صمیمیت شاعر در پاره‌ای از ابیات و آثار ایشان موجب انبساط خاطر و التذاذ طبع نیز می‌شد و اندیشه‌های بلند او که برخاسته از انس دیرین با تعالیم عالی اسلام و مفاهیم قرآنی و قرائت متکی به دانش روز از آنها در تک تک ابیات جلوه و ظهور داشت و دیوان را به صورت درسی آموزنده و اثربخش جلوه می‌داد. خوشبختم که خود از نخستین کسانی

بودم که توانستم از رشحات قلم توانا و تراوشات اندیشه پویای دکتر موفق بهره بجویم و دیوان اشعار ایشان را دستمایه مرور زبان شیرین فارسی، عرفان ایرانی - اسلامی و اخلاق کمال آفرین انسانی قرار دهم و از آن درس بگیرم.

وجود پربرکت جناب آقای مهندس حسینی که انتشارات ایشان به ماندگار ساختن یادگارهای بزرگان اهتمام تمام دارد، عامل مکتلی شد تا منویات پربرکت دکتر موفق، به مرحله توفیق و تحقق برسد و خوشبختانه هم اینک، شاهد آمادگی کامل دیوان برای انتشار هستیم. امید است مطبوع طبع و مطلوب ذوق شاعران و شعردوستان فارسی‌شناس و پارسی‌گوی سراسر جهان قرارگیرد و چهره جهانی چند بعدی دکتر موفق که مصداق تعبیر عربی «صار کاسمه» و به تمام معنی «موفق» بوده و هستند در کسوت شاعری و منزلت سخنوری نیز درخشش مثمر و پرتوافشانی جاودانی داشته باشد.

بهترین گزینش برای ختم سخن و شناساندن ظرافت‌های کار شاعری دکتر موفق بازتاب چند بیت زیبا از دیوان ماندگار ایشان است. در بیت زیر، نهایت نازکی خیال را می‌توان دید:

نازگل بنفشه را لاله کشد به خون دل

ناز تو گر کشد کسی خون به جگر نمی‌شود

(ص ۲۶)

و اوج عرفان را در این بیت:

برو ای مُنعم و مُنعم مکن از صحبت دوست

که گدای در او سرور شاهان آمد

(ص ۲۸)

نمونه‌ای از توصیف‌های دلنشین دیوان در این بیت مشهود است:

به عشق اوست می‌زند طلوع صبح خنده‌ها

به شب که غمزه‌ها کند ستاره در مدارها

(ص ۳۰)

و در تجربه‌های عشق زمینی نیز از دیوان او نشان‌ها توان یافت، نظیر:

هرچه کردم که دل خویش به یغما ندهم

دیده از راز دلم پرده برانداخته است

(ص ۳۱)

چشم خود بر من و دل بر دگران می‌داری

دل ما را ز غمت بس نگران می‌داری

(ص ۳۲)

دندانۀ هر شانه دارد سخن از مویش

آویخته بر گیسو دل‌های ستمدیده

(ص ۳۸)

همچنان دریند خال و لعل جانانم هنوز

دل به دام طره و گیسوی افشانم هنوز

(ص ۳۹)

دیده بر روی تو و دل به تمنای وصال

همچو مرغی که نظر بر رخ صیاد کند

(ص ۴۰)

اندرزهای دیوان بی‌شمار است. نمونه‌هایی از بند دکترا موفق:

کودکی رفت و شباب آمد و پیری در راه

از پس پرده کسی محرم اسرار نشد

(ص ۳۲)

دوران عمر، کوتاه و چون آب در گذار

نرخ طلای وقت که گوید به زربهرست؟

(ص ۳۵)

حیف از بشر که بندگی غیرحق کند

مرغی بین که طاعت امر دگر نکرد

(ص ۴۴)

احساسات فردی موفق در بعضی ابیات قابل ردیابی است؛ از جمله:

ای خوش آن دم که از این کلبه احزان بروم

پرکشم زین قفس و خانه ویران بروم

(ص ۳۶)

سادگی زبان و صمیمیت در این بیت خودنمایی می‌کند:

کودکی فصل بهار است و جوانی بعداز آن

نوبت پاییز عمر و فصل پیران می‌رسد

(ص ۴۵)

مطلع بعضی از آثار او زیبایی خاصی دارد؛ مانند:

تا دلی در گرو زلف نگاری نشود

در جهان هیچ گرهی باز ز کاری نشود

(ص ۴۷)

عرفان موفق فصل جداگانه‌ای می‌طلبد. علاوه بر آثار دربست و کامل که به این موضوع اختصاص یافته‌اند، ابیات پراکنده‌ای نیز در عرفان پدید آورده که حکایت از وسعت مطالعات و اطلاعات ایشان و نیز انس با آثار شاعران عارف پیشین دارد. در ابتدای شعر «عشق جهان» - که در قالب مثنوی است - چنین داد سخن داده است:

جهان عشق و جهان معشوق و عاشق

پدید آمد جهان از عشق خالق

(ص ۵۲)

از استغنائی عارفانه چنین می‌گوید:

درویش کجا خواهد آن شوکت سلطانی؟

با عشق رود آنجا عنقا نبردخانه

(ص ۵۴)

و درباره حسن ازلی آورده است:

پرتو حسن تو شد دایره عشق وجود

عاشق وصل تو در گردش پرگار آمد

(ص ۶۲)

و در خطاب به خداوند، با دیدی عارفانه سروده است:

ای که رازت همیشه شد پنهان
 ای که باقی توایی و باقی فان
 عقل و دانش ز فهم تو عاجز
 عارفان را نموده سرگردان
 (ص ۷۱)

و در زهد درویشان چنین گفته است:
 آنکه درویش صفت گنج قناعت بنشست
 خاطر آزرده از این اطلس و دبیا نکند
 (ص ۷۵)
 معرفت خداوند در همه جای اشعار به ویژه در بخش مذهبی نمودار است و نمونه آن:
 هرچه بینی در جهان و ماسوی
 ظاهر و باطن نشان است از خدا
 ذات هستی از ابد تا بوده است
 خالق عالم چنین بنموده است
 از خدا آییم و رجعت سوی اوست
 مبدأ و مقصد عالم کوی اوست
 (ص ۱۰۲)

علاوه بر این نمونه‌ها، مضامین پرشمار دیگری نیز در این دیوان شیوا و گبرا وجود دارد. بعضی اشعار مناسبتی برای مراسم خاص، پاره‌ای اخوانیه‌ها برای نزدیکان شاعر و نیز اشعاری در تفسیر آیات و بعضی نظریات علمی که نزد روشنفکران اسلامی محل بحث بوده، بخشی از اشعار موفق را به خود اختصاص داده‌اند. معدود اشعاری در ستایش معصومین (ع) و نیز در فلسفه قیام و شهادت امام حسین (ع) سروده که همه اینها بر جامعیت شاعری دکتر موفق دلالت دارد.

با این همه، از مطالعه دیوان به خوبی دریافت می‌شود که شاعر نه به گونه حرفه‌ای و تخصصی بلکه بر سبیل تفتن و بیشتر برای بازتاب افکار و آرمان‌های انسانی و معنوی و مذهبی خویش، زبان شعر را به کار گرفته و بویژه در تنگنایی که ایرانیان مقیم خارج از کشور برای دسترسی به اشعار ناب سرزمین مادری خود دارند، حلاوت اینگونه اشعار در

آن دیار صدچندان به مذاق فارسی‌زبانان خوش آمده و برای ما نیز که در مهد شعر و ادب به مطالعه اشعار او می‌نشینیم، در جای خود زیبا و دلنشین و آموزنده است. حتی اگر به لحاظ انتخاب نوع شعر و فضای سبک و عوامل سخن‌آرایی و عناصر ذوقی عمدتاً تابع ادوار پیشین و دستخوش مضامین مکرر و غلبه تقلید شده باشد.

در پایان، مطالعه دیوان و استفاده از معانی بلند آن و درس گرفتن از توفیق‌های چند جانبه شاعر در زندگی به همگان توصیه می‌شود با این آرزو که دامان پرمهر کهن دیار یزد باز هم بتواند مردانی به بایستگی و شایستگی دکتر موفق ببوردد، غزلی پرشور را از این دیوان برای حسن ختام نقل می‌کنیم:

من آن نیام که ساغر می را نهام ز دست

خرم دمی است لشکر غم را دهم شکست

مستم ز باده‌ای که فزاید کمال عشق

بسپرده جان به غمزه آن چشم نیم مست

ساقی دهر جام جهان‌بین به ما نمود

تا چشم دل فتاد به آن باده‌الست

دلبر به راه وصل، اشارت نمود و گفت

ای طالب طریق، مترس از بلند و پست

شاهد یکی و دلبر و ساقی بود یکی

غافل عنان عقل سبازد به بت پرست

دوران عمر کوتاه و چون آب در گذار

نرخ طلای وقت که گوید به زرپرست؟

علم و عمل عبادت و خدمت خوش است لیک

مقصد رضای اوست «موفق» هرآنچه هست

(ص ۳۵)

به نام او که همتایی ندارد بود هر جا و او جایی ندارد

از آنجایی که مشورت از دیدگاه قرآن امر مهمی است بخصوص از بزرگان، دانشمندان، خیرخواهان و مؤمنان کمک در حل مشکلات و پیشرفت امور و عظمت و سربلندی انسان می‌گردد، اینجانب به پیروی از دستورات الهی تصمیم گرفتم برای انتشار دیوان خود از جناب آقای دکتر سید محمود الهام‌بخش استاد ادبیات دانشگاه یزد که نامشان از لحاظ دانش، حسن نظر و اخلاق پسندیده، زبانزد خاص و عام و دانش‌پژوهان افتخار حضور در کلاس درس ایشان را داشته و کسب فیض می‌نمایند، بنده هم نیز از محضر نامبرده حسن استفاده نموده تقاضا نمایم که دیوان اشعار این حقیر را ایشان بر بنده منت نهاده مورد مطالعه قرار دهند و مضامین آن را با در نظر گرفتن شرایط روز تنظیم و تدوین نمایند و پس از رفع ایرادات موجود با همکاری جناب آقای مهندس حسینی مدیر محترم انتشارات علم نوین نسبت به انتشار و چاپ آن بذل توجه و محبت فرمایند. باشد که نام پرافتخار ایشان در دل و جان و دیوان اینجانب برای همیشه به یادگار باقی بماند.

والسلام - دکتر علی محمد موفق

عضو سابق هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران

اشعار و غزلیات

www.ketab.ir

شعر و هنر

من به جهان نظر کنم، جز تو نظر نمی‌شود
از دو جهان گذر کنم، از تو گذر نمی‌شود
در دل و جان نهفته‌ای، روز ازل تو گفته‌ای
در همه جا تو با منی، قطع نظر نمی‌شود
درد من و دوی تو، رنج من و شفای تو
گر نکنم دعای تو، حسن اثر نمی‌شود
کوکب بخت و نام من، صبح امید و شام من
بی تو به در نمی‌شود، بی تو سحر نمی‌شود
غمزه دلربای تو، برده دل از جهان ولی
وعده وصل روی تو، وای اگر نمی‌شود
زمزمه جمال تو آب روان دهد خیر
تشنه لب وصال تو، از چه خبر نمی‌شود؟
خنده غنچه‌های گل، نخل کشد به سوی خود
شهد گل و مکیدنش بی تو ثمر نمی‌شود
ناز گل بنفشه را لاله کشد به خون دل
ناز تو گر کشد کسی، خون به جگر نمی‌شود
شبنم روی برگ گل اشک غم فراق توست
از دل عاشقان اگر ناله به در نمی‌شود
مهر و مه و ستارگان سر به رخت چو بندگان
بنده سر فکنده‌ات کم ز قمر نمی‌شود
شعر موفق ار بود زمزمه‌ای ز عاشقی
گر نکند ثنای تو، شعر هنر نمی‌شود